

A look at the historical and architectural position of mosques and schools in the West Islamic lands (in the era of Morabetoun, Movahedoun, Marinyan)

Zahra Pour Shabanian¹
Mohammad Mortezaei²

Abstract

The land of Maghreb, in the extent of the Islamic lands, has gone through extensive changes in art and architecture since the beginning of the arrival of the Arabs, and various governments have ruled it. Among different Islamic governments; During the three governments of Morabetoun, Movahedoun and Marinyan, the manifestation of the message of Islam was reflected in the structure of many mosques, schools and minarets. Most of the above buildings were built by rulers and have the plan and form of Arabic mosques. The importance of building mosques and places of worship has been to such an extent that a religious approach has been considered in the form and function of school buildings. The present article is a theoretical research with a historical approach in a descriptive-analytical way and documented in written sources and library studies. And its purpose is to introduce the prominent mosques and schools of the era of Morabetoun, Movahedoun and Marinyan governments. In line with the above goal, the architecture of the mentioned buildings has been investigated.

Keywords: Morabetoun, Movahedoun, Marinyan, mosques, schools.

The first year|

Number Four|

Summer 2024|

-
1. PhD in Archaeology.
Zahra_pourshabanian@yahoo.com
 2. PhD in Islamic Archaeology, Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Research Institute
M_mortezayi2008@yahoo.com

موقفٌ من المكانة التاريخية و المعمارية للمساجد و المدارس في الغرب (في عهد المرابطون، الموحدون، المرينيون)

زهرا پورشعبانيان^١
محمد مرتضايي^٢

الخلاصة

لقد مرت أرض المغرب عند توسع رقعة اراضي الإسلام بتغيرات واسعة في الفن و العمارة منذ بداية وصول العرب، و حكمتها حكومات مختلفة. و من بين الحكومات المختلفة؛ في عهد حكومات المرابطون و الموحدون و المرينيون الثلاث، انعكست رسالة الإسلام في بناء العديد من المساجد و المدارس و المآذن. معظم المباني المذكورة أعلاه تم بناؤها من قبل الولاة و لها مخطط وشكل المساجد العربية. و قد بلغت أهمية بناء المساجد و العبادة إلى حد أنه تم مراعاة النهج الديني في شكل و وظيفة المباني المدرسية. هذا المقال هو بحث نظري ذو منهج تاريخي بطريقة وصفية تحليلية، موثق بالمصادر المكتوبة و الدراسات المكتبية، و الغرض منه هو التعريف بمساجد و مدارس عصر حكومات المرابطون و الموحدون و المرينيون، تماشياً مع الهدف أعلاه من عمارة المباني المذكورة.

الكلمة الرئيسية؛ المرابطون، الموحدون، المرينيون، المساجد، المدارس



فصل نامه
علمی
مطالعات
بافتار و
اماکن
متبرکه

١. دكتوراه في علم الآثار

Zahra_pourshabanian@yahoo.com

٢. دكتوراه في الآثار الإسلامية من معهد بحوث التراث الثقافي والحرف اليدوية والسياحة

M_mortezayi2008@yahoo.com

نگرشی بر جایگاه تاریخی و معماری مساجد و مدارس مغرب زمین (در دوران مرابطون، موحدون، مرینیان)

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲

زهرا پورشعبانیان^۱

محمد مرتضایی^۲

چکیده

سرزمین مغرب در گستره سرزمین‌های اسلامی تحولات گسترده‌ای در هنر و معماری را از ابتدای ورود اعراب پشت سر گذاشته است و حکومت‌های مختلفی در آن حکمرانی کرده‌اند. از میان حکومت‌های مختلف در دوران سه حکومت مرابطون، موحدون و مرینیان جلوه پیام اسلام در ساختار مساجد، مدارس و مناره‌های فراوان بازتاب داشته است. عموم بناهای فوق از سوی زمامداران ساخته شده و نقشه و شکل مساجد عربی را دارند. اهمیت ساخت مساجد و عبادت تا بدان حد بوده است که در شکل و عملکرد ساختمان مدارس رویکرد مذهبی مدنظر بوده است. مقاله حاضر، پژوهشی نظری با رویکردی تاریخی به شیوه توصیفی-تحلیلی و مستند به منابع مکتوب و مطالعات کتابخانه‌ای است و هدف آن معرفی مساجد و مدارس شاخص دوران حکومت‌های مرابطون، موحدون و مرینیان است در راستای هدف فوق معماری بناهای مذکور، مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مرابطون، موحدون، مرینیان، مساجد، مدارس.

۱. دکتری باستان‌شناسی

Zahra_pourshabaniyan@yahoo.com

۲. دکتری باستان‌شناسی اسلامی پژوهشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

M_mortezayi2008@yahoo.com

۱. مقدمه

از نظر تاریخی، قرون اولیه اسلامی در سرزمین‌های مختلف به نوعی دوران انتقال به حساب می‌آید، منظور از انتقال، جایجایی قدرت سیاسی و نظامی دولت‌های محلی به حکومت‌های اعراب مسلمان نیست بلکه انتقال فرهنگ و تمدن سرزمین‌های مفتوح به حکومت‌های مسلمانان است که از دورانی با ویژگی‌های خاص خود به دوره دیگری صورت پذیرفت. در قرن یازدهم میلادی (نیمه‌های آن) نهضتی بنام المرابطون از جانب قبایل صنهاجی در صحرا و شمال آفریقا پدید آمد. بعد از المرابطون، الموحدون روی کار آمدند. این سلسله توانستند مراکش، الجزایر و تونس را برای اولین بار متحد کنند و مغرب (آفریقای شمالی) دگر بار شکوفا شد، عصر مرابطان، موحدان، از نیمه قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی آغاز می‌شود و تا پایان قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی ادامه می‌یابد، دولت بنی‌مرین در سال (۵۹۲) روی کار آمد، در این عصر، نظم و ثباتی نسبی حاکم بود و طی آن دولت مرابطان نخستین تلاش را برای وحدت مغرب زیر پرچم سنت و جماعت به عمل آورد، پس از آن دولت‌های موحدان و حکومت‌های زناتی بنی‌مرین و غیره بر سر کار آمدند. همه این‌ها، دولت‌های بزرگی بودند که می‌دانستند چگونه کشور را نظم و سامان بخشند و روند سازندگی و مدنیت مغرب را ادامه دهند و دروازه‌های تاریخ را به روی ملت مسلمان مغرب بگشایند تا این‌که ملت نیز در ساختن تاریخ و تمدن اسلام سهیم شود، در معماری شیوه‌های سنتی و بومی مغرب زمین با ترکیب شیوه‌های دیگر در قالب بناهایی مذهبی با ساختار مساجد عربی نمایان گشت و از پایان این دوره تا ادوار بعدی سرزمین مغرب فراز و فرودهای فراوانی را پشت سر گذاشته است.

۲. پیشینه پژوهش

موضوعی با محوریت شناخت ویژگی‌های تاریخی و معماری در مساجد، مدارس و مناره‌ها در سرزمین گسترده مغرب در خلال منابع مختلف معماری اسلامی و تاریخ تمدن اسلام آمده است. می‌توان از منابع به‌عنوان نمونه جغرافی‌نویسان قرون اولیه اسلامی همانند مسعودی، ابن‌خردادبه، مقدسی، یاقوت حموی؛ تاریخ سیاسی (مونس، ۱۳۸۴)؛ تحولات معماری (لوبون، ۱۳۸۰؛ هیلن‌برند، ۱۳۸۵-۱۳۹۱؛ بوکهارت، ۱۳۹۰؛ هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰) اشاره نمود. مقاله فوق در نظر دارد ویژگی‌های معماری ساختارهای مذهبی را مورد مطالعه قرار دهد.

۳. روش پژوهش

مطالعات کتابخانه‌ای در هنر و معماری سرزمین‌های مختلف امکان آشنایی با گستره تحولات دوران اسلامی را فراهم می‌سازد، این نوشتار، پژوهشی نظری با رویکردی تاریخی، به شیوه توصیفی-تحلیلی و مستند به منابع مکتوب حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای است و هدف آن بررسی تحولات تاریخی و معماری مساجد، مدارس و مناره‌های سرزمین مغرب است.

۴. وجه‌تسمیه مغرب

مغرب واژه‌ای عربی و به معنای سرزمین غروب آفتاب است. این کلمه از دیدگاه جغرافی‌نویسان خَربران به معنی غروب خورشید نامیده شده است که همان معنای سرزمین غرب ماست (مسعودی، ۱۳۶۵: ۳۰). برخی نیز بیان می‌کنند در قدیم منطقه گسترده‌ای از شمال آفریقا را مغرب می‌نامیدند، به مجموعه پنج کشور واقع در شمال و شمال غربی آفریقا اصطلاح مغرب اطلاق می‌شود، منظور از آفریقای شمالی مراکش، الجزایر، تونس و طرابلس است. (لوبون، ۱۳۸۰: ۲۹۷).

۵. جغرافیای تاریخی مغرب از دیدگاه مورخین اسلامی

سرزمین مغرب، یک واحد جغرافیایی پهناور است؛ زیرا از شرق به غرب در طول ساحل دریای مدیترانه تا اقیانوس اطلس امتداد می‌یابد و کشور مغرب با ساحلی طولانی که از طنجه در شمال آغاز می‌شود و در نقطه معروف به رأس‌الاخضر (دماغه ورد) واقع در ساحل غربی آفریقا پایان می‌پذیرد مشرف بر اقیانوس اطلس است.

ابن‌خرداد به می‌گوید: «مغرب سرزمینی بسیار وسیع و گسترده، برخی گفته‌اند که مرز آن از شهر ملیانه در منتهی‌الیه مرز آفریقا تا آخر کوه‌های سوس در ماورا دریای محیط امتداد دارد و جزیره اندلس جز آن به شمار آید» (ابن‌خرداد، ۱۳۷۱: ۱۱۰).

مسعودی نیز در این باره چنین بیان می‌دارد: «ایرانیان نقاط شرقی مملکت خود و مناطق مجاور آن را خراسان نامیده‌اند که خر همان خورشید است و این نواحی را به طلوع خورشید منسوب داشته‌اند و جهت دیگر را که مغرب است خَربران نامیده‌اند که به معنی غروب خورشید است» (مسعودی، ۱۳۶۵: ۳۰).

مقدسی، سرزمین خوش‌منظر بزرگ و ثروتمند است. شهر و دیه فراوان دارد با ویژگی‌های شگفت‌انگیز و رفاه. مرزهای محکم و باروهای بسیار و باغ‌های دلگشا و جزیره‌های بسیار دارد مانند اندلس شگفت‌انگیز و تاهرت زیبا و دلگشا و تنجه آن شهر دوردست و سجالماسه منحصر به فرد و صقلیه سیسیل آن جزیره پرسود که مردم آن همیشه در جنگ هستند و ثروشان سالم است؛ مانند بصره دارای شهرهایی چند است، مردم به خیرات رغبت دارند سلطان‌شان دادگر و حساب‌دان است. دریا را بهترین همسایه دارد و برای هر آینده و رونده مردم دارند. شهرهایش در میان زیتونستان‌ها فرورفته و دست‌هایش در زیر درختان انجیر و انگور است و درختانش پر از پسته است؛ ولی مرزهایش دور و بیابان‌هایش بسیار و راه‌هایش دشوار و پرخطر، گوشه دورافتاده اسلام است که برخی بخش‌هایش در پشت دریاها جدا مانده است. کسی را بدان جا رغبت نیست و برای رفتن بدان جا آمادگی نیست (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۳۱۰). «من مغرب» را با «اندلس» یکجا نهادم، در دو سو؛ رقاق و اندلس. چنانکه «هیتل» را با «خراسان» نهادم؛ ولی من به «اندلس» نرفته‌ام تا آن را خوره بندی کنم، پس آنچه را شنیده‌ام یاد می‌کنم؛ نخستین خوره (زقاق) از سمت مصر «برقه» است سپس «افریقیه»، «تاهرت»، «سجالماسه»، «فاس»، «سوس دور»، جزیره «صقلیه-سیسیل» که روبه‌روی آفریقا است. «اندلس» در پشت دریا و سرزمین روم است. «فاس» خود دو ناحیت



دارد: «تنجه» و «زاب» برقه: نام قصبه نیز همین است. از شهرهایش: «ذات الحمام»، «رمادة»، «اطرابلس»، «أجدابيه»، «صبرة قابس»، «غافق» می‌باشند» (مقدسی، ۱۳۶۱، جلد ۱: ۳۱۱).

یاقوت حمونیز به نقل از اردشیر بیان می‌کند: «زمین چهار بخش است: یکی سرزمین ترکستان که در میان باختر هند تا خاور روم است، بخش دیگر «مغرب» است که در میان باختر روم تا قبط و بربر می‌باشد، دیگر سرزمین سودان است که در میان بربر تا هند است و بخش دیگر همین سرزمین فارس است که در میان رود بلخ و مرز آذربایجان و ارمنستان ایران از یک سو و از رود فرات و سپس بیابان عربستان تا عمان و مکران و سپس تا کابل و طخارستان می‌باشد» (یاقوت حموی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۵).

۶. گستره سیاسی سرزمین مغرب

در بررسی بخش غربی جهان اسلام، دو اصطلاح وجود دارد: یکی اصطلاح مغرب که اصطلاحی قدیمی است و دیگری غرب اسلامی که اصطلاحی جدید است. اصطلاح مغرب بر تمام منطقه غرب کشور مصر، یعنی از سرزمین شمال آفریقا تا اقیانوس اطلس، اطلاق می‌شود. عربیان همانند مقدسی سرزمین اندلس را نیز جزء بلاد مغرب به حساب می‌آورند و مقصود از اندلس شبه‌جزیره ایبری است که به آیین اسلام گردن نهاد. همچنین دو حوزه مرکزی و غربی دریای مدیترانه و جزایر این دو حوزه را که بزرگ‌ترین آن‌ها جزیره سیسیل و جزایر شرقی معروف به البئار و نیز ساردنی، از مغرب به‌شمار می‌آورند، معمولاً صحرای بزرگ آفریقا نیز از خاک مغرب شمرده می‌شود (مونس، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۰).

این غرب اسلامی شش واحد جغرافیایی و تاریخی زیر را در برمی‌گیرد؛ بلاد مغرب، اندلس یا همان شبه‌جزیره ایبری، صقلیه یا سیسیل، بقیه جزایر دو حوضه میانی و غربی دریای مدیترانه، صحرای بزرگ که تا به امروز هیچ‌کس تاریخ کاملی از آن ننوشته، سرزمین آفریقای مداری و استوایی است (مونس، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۲).

۷. حکومت‌های مرابطون، موحدون، مرینیان

مرابطون: مرابطین (رباط‌نشینان) از قبایل بربر مسوفه، لمتونه و جداله از شاخه‌های قبیله بزرگ صنهاجه بوده که آن‌ها را ملثمین می‌خواندند. این قبایل در مسافتی میان جنوب مغرب دور دست تا سرزمین سودان پراکنده شده بودند. در نیمه سده پنجم وارد دشت مراکش شدند. ورود و استقرار مرابطان در اندلس، آنجا را ولایتی مغربی نمود و تحت سلطه سیاسی و فرهنگی خود قرارداد (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۸۹: ۲۴۵-۲۴۶). مرابطون حکومتی اسلامی بودند و توانستند سال‌های (۱۰۶۰-۱۰۵۶ م) بر شمال باختری آفریقا و بخشی از اندلس فرمانروایی کردند. پایتخت آن‌ها در سال‌های (۱۰۸۶-۱۰۵۶ م) شهر فاس بود و از سال (۱۰۸۶ م) پایتخت ایشان به شهر مراکش منتقل شد. مرابطان به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: ۱. گروهی که ابتدا در مغرب و سپس اندلس فعالیت می‌کند؛ ۲. گروه دیگری در آفریقای مداری غربی فعالیت می‌کند، تقسیم می‌گردند. از این زمان قدرت مرابطان به دو بخش تقسیم شد؛ یکی از آن‌ها مرکزش دشت مراکش و میدان فعالیتش مغرب و

سپس اندلس بود و یوسف بن تاشفین آن را رهبری می‌کرد و دومی در آفریقای مداری غربی فعالیت داشت و رهبری و زعامت آن را ابوبکر بن عمر به عهده داشت. این تقسیم نه تنها باعث ضعف قدرت مرابطان نشد بلکه روح تازه‌ای در آن دمید؛ چراکه دو رهبر این جنبش، یعنی یوسف بن تاشفین و ابوبکر بن عمر، با رضایت یکدیگر از هم جدا شدند (مونس، ۱۳۸۴، ج ۲: ۲۴۴).

موحدون: موحدون دودمانی از بربرهای آمازیغ بودند که طی سال‌های (۱۱۳۰ تا ۱۲۶۹ م) بر مناطقی از شمال آفریقا فرمانروایی کردند. قلمرو ایشان دربرگیرنده کشورهای امروزی مراکش، الجزایر و تونس و لیبی می‌شد.

بنی‌مرین: مرینیان قبیله‌ای از بربرهای چادرنشین زنانه بودند که میراث دار موحدون در مراکش و مغرب الاوسط گشتند و سرزمین‌های آن‌ها را با حفیصیان تونس قسمت کردند. بنی‌مرین از ابتدا با موحدون دشمنی می‌ورزیدند و به همین دلیل با بنی‌غانیه از خاندان مرابطین در مقابل موحدون همبستگی‌ای تشکیل دادند. پس از جنگ‌های بسیار با موحدون در سال (۶۰۹ ق) آن‌ها را شکست داده ولی تا سال (۶۶۸ ق) که موحدون منقرض شدند نتوانستند بر مراکش پایتخت موحدون چیرگی یابند. مرینیان سطح فرهنگی پایینی داشتند و آن شور مذهبی که نیروبخش پیروزی‌های مرابطین و موحدون بود در قدرت‌طلبی آن‌ها وجود نداشت. این واقعیات همراه با ظاهراً کمبود تعداد آن‌ها، دلیل طولانی بودن مجادلات و کشمکش‌های مرینیان با آخرین امرای موحدی است. مرینیان چون فرمانروایی یافتند، فاس را پایتخت خود قراردادند و این احساس بر ایشان پیدا شد که وارثان امرای موحدی هستند؛ از این رو کوشیدند تا از نو دولت خود را در مغرب بنیان نهند. فرمانروایی خاندان بنی‌مرین به دلیل خویشاوندی که با بنی‌وطاس داشتند، به آن‌ها منتقل شده و تا سال ۹۵۷ ق ادامه داشت تا آنکه اشرف سعدیه حکومت بنی‌وطاس را از میان بردند و خود بر مغرب الاقصی فرمانروایی یافتند.

۸. تحولات معماری مغرب پس از ورود اعراب

اسلام به‌طور سریع، در ابعاد گسترده‌ای از اسپانیا تا مرزهای چین گسترش یافت. آثار این گسترش سریع بر جوامع فتح‌شده کاملاً محسوس است، خصوصاً نتایج آن بر معماری سرزمین‌های مفتوحه غیرقابل‌انکار است. نکته مهم در تحولات هنری اعراب توجه به طبیعت نظامی توسعه قلمرو اسلام است. با پیشروی فتوحات، بدنه اصلی جامعه مسلمان را در هر یک از سرزمین‌های تازه فتح‌شده در درجه اول خود نظامیان تشکیل می‌دادند. نیاز به یک مکان برای تجمع این هزاران مسلمان یک نیاز حاد بود و یک محصوره ساده بهترین پاسخ را به این نیاز می‌داد، وسابلی که جهت تأمین چنین فضای محصوره‌ای انتخاب می‌شد الزاماً معمارانه و ماندگار نبود. در واقع خطی از خاکستر-حصاری از نی و خندقی کم‌عمق و نظایر آن پاسخگوی چنین نیازی بود و نیاکان مساجد جامع بعدی با چنین روش غیررسمی پدید آمدند. از سال ۲۱ هجری و پس از فتح اسکندریه، عمر و عاص فرمانده مسلمان مسجدی در مقر خود درون یک باغ طرح افکند و خود نیز در جوار آن زندگی می‌کرد، همین روال در موصل و عراق نیز دنبال شد (هیلن‌برند، ۱۳۸۵: ۳۴-۳۵).



۱-۸. تحولات معماری در مساجد مغربی

ناحیه مغرب هماهنگ‌ترین و مستمترترین نمونه‌های مساجد طرح عربی را داراست و تقریباً تمام مساجد آن در طول هزار سال طراحی جز طرح عربی نداشته است، هنر معماری مغرب زمین همانند سایر هنرها از سرزمین‌هایی نظیر سوریه خصوصاً مسجد جامع دمشق نشئت گرفته است. مسجد قرویین و مسجد فاس از جمله مساجد قدیمی مغرب است که در (۲۲۶ هـ) بنیان گذاشته شده است. بیشتر مساجد مغربی مربوط قرن دوازدهم هستند و همان تناسب بناهای سوریه مثل حیاط مستقل نسبتاً کم‌عمق را دارا هستند که چنین حیاطی را حصار مقدس می‌نامند به مسجد جامع دمشق تحمیل شده؛ ولی در سایر مساجد مغربی به‌عنوان یک خصیصه معین تقلید شده است. استفاده از طرح جامع مسجد دمشق در مساجد مغرب مانند؛ مسجد اندلسی‌ها در فاس، علیرغم خط محیطی نامنظم و دوزنقه‌ای شکل آن مرسوم بوده است. فرارگیری ورودی اصلی مسجد با خط محیطی در امتداد یکدیگر؛ ظرافتی در مسجد جامع قیروان است که در مسجد جامع دمشق وجود ندارد. افزایش طول ناو شیروانی‌ها و کم شدن ارتفاع آن‌ها از دیگر تفاوت مساجد مغربی با مسجد جامع دمشق است. بهره‌گیری از قوس‌های نگهدارنده و تغییر جهت این قوس‌ها به موازات دیوار قبله یا عمود بر آن در مساجدی مانند؛ (قرطبه، تونس، قیروان) صورت گرفته است. تأکید بر تأثیرات بام‌های شیروانی دار در درون بنا به‌جای نمای خارجی از تحولات مساجد مغربی است، این بام‌های شیروانی دار از طرف درون طاق بندی غیرعادی و پیچیده‌ای به خود می‌گیرد که شبیه به مقرنس (مسجد قرویین) است یا با استفاده از ردیف گنبدها؛ از دو گنبد (مسجد تلمسان) تا شش گنبد (مسجد کتیبه دوم) این تحول صورت گیرد. بدین ترتیب با بهره‌گیری از طاق بندی‌ها تنها فضاهای T شکل ایجاد گردید که تأکید بر دنیوی و مذهبی بودن مسجد را نشان می‌دهد (هیلن‌برند، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۴). شکل T احتمالاً از لیبی به مصر را یافته است. شکل T تأثیر مغرب زمین در تحول طرح مسجد به شمار می‌آید، هرچند که قوس‌های نعل اسبی و مناره‌های مربع شکل نیز از ویژگی‌های شاخص این سبک به شمار می‌آید (هیلن‌برند، ۱۳۸۵: ۸۴).

ویژگی کلی مساجد مغربی: سه ویژگی کلی مساجد مغربی که ریشه در معماری اندلس دارد، مساجد مغرب را از دیگر مساجد جهان اسلام متمایز نموده است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: بهره‌گیری از گنبدهای قید دار، مشبک و شیاردار به‌ویژه روی محراب، به‌کارگیری شکل‌های قوس‌دار برای ایجاد تمایز سلسله مراتبی از طریق غنی کردن تدریجی، آمادگی برای تغییر حجم شکل و موقعیت صحن در پاسخ به الزامات خاص طرح و ویژگی شاخص مساجد مغربی استفاده از ردیف‌های طولانی ستون‌های قوس‌دار است که در چند جهت ادامه دارند و مناظر بی‌انتهایی را به وجود می‌آورند. کاربرد وسیع انواع قوس (نعل اسبی، بریده، چند پر، به‌هم‌پیچیده، سه پر، نوک‌دار، یالان دار و غیره) برای ایجاد تمایز در سلسله‌مراتب مؤثر بوده است (هیلن‌برند، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۵).

۲-۸. مساجد شاخص مراتبون

مسجد جامع تلمسان: بنیان‌گذاری مسجد جامع تلمسان به دوره یوسف بن تاشفین بازمی‌گردد؛ اما تحت نظر علی بن یوسف تغییرات عمده در این بنا صورت گرفته است. ورودی صحن مسجد در

کنار مناره فاخر آن قرار دارد، صحن مسجد از هر سو با طاقگان‌هایی احاطه شده که دیدارکننده را به آرامش و سکون ترغیب می‌کند. در شبستان راهه مرکزی که به محراب می‌رسد، از راهه‌های جانبی قدری عریض‌تر است. تأکیدی که بر راهه مرکزی نهاده‌اند، در اصل برای هدایت نگاه در جهت محراب است که جهت نماز را به جانب مکه مشخص می‌کند. مفهوم تأکید نهادن بر راهه مرکزی معطوف به محراب از طریق عرض بیشتر الگوی مسجد جهت‌دار (که بعدها در مسجد اندلس و مغرب به صورت امری اجباری درآمد)، موجودیت یافت. محراب مسجد جامع تلمسان و امدار مسجد جامع قرطبه است که با دهانه نعل اسبی و محراب چندضلعی پیداست. نمای محراب با بهره‌گیری از قوس‌های مرکزی نعل اسبی، افریزهای تزیینی و طاقگان‌های دارای قوس کاذب از همان الگو پیروی می‌کند. گنبد بزرگ بالای محوطه مقابل محراب که آن هم به شکل خاص ناحیه محراب را مورد تأکید قرار می‌دهد، ویژگی دیگری است که مسجد جامع قرطبه را تداعی می‌کند. در مسجد جامع تلمسان تأکید بر محور طولی مسجد، از طریق وجود گنبد دیگری در راهه مرکزی شبستان جهت هدایت نگاه به سوی محراب شده است. تزیین مسجد جامع تلمسان با بهره‌گیری از گچ‌بری صورت گرفته است، اما اجرای تزیینات گیاهی به گونه‌ای ظریف‌تر و کوچک‌تر از مسجد جامع قرطبه بوده است، تنوع در شکل‌های گیاهی گچ‌بری شده نیز غنی‌تر است (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۵۵). ساختار معماری و تزیین مسجد جامع تلمسان تأثیرگذار بر مساجد دیگر مغرب مانند؛ مسجد جامع الجزیره (۱۰۹۶) بوده است (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۵۴).

مسجد جامع قرویین: بنیان اولیه مسجد جامع قرویین در نیمه قرن نهم به دست مهاجرانی از قیروان بوده است؛ اما در فاصله سال‌های (۱۱۴۲ و ۱۱۳۵ م) بازسازی‌های در مسجد جامع قرویین صورت گرفت. علی بن یوسف با تغییر در ابعاد مسجد جامع قرویین و تبدیل شبستان ۱۸ راهه به ۲۱ راهه در مسجد عظمت دوره مرابطون در ساخت مساجد را نمایان ساخت. با این تغییر ابعاد مسجد قرویین ۲/۴۴*۸۳ متر و مساحت آن به ۳/۶۶۸/۶ مترمربع رسید. با این ترتیب مسجد جامع قرویین در فاس به یکی از بزرگ‌ترین مساجد این عصر در مغرب بدل شد. حس عظمت در فضای درونی مسجد از طریق رنگ‌آمیزی روشن داخل شبستان پدید آمد. راهه مرکزی که بلندای آن در مرحله ساخت وساز مرابطون افزایش یافته بود با پنج طاق قوسی مقرنس آراسته گشت و از طریق این طاق‌های قوسی بر محور طولی مسجد تأکید بیشتری گردید. طاق قوسی‌های مقرنس نوآوری واقعی در تزیینات ساختمانی دوره مرابطون است. نمای محراب مسجد جامع قرویین با بهره‌گیری از تزیینات گچ‌بری آراسته گشته است و آن را به یکی از زیباترین محراب‌های مساجد مغرب تبدیل نموده که در گذر تاریخ بارها مورد بازسازی قرار گرفته است (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۵۶).

منبرهای مرابطون: در مساجد مرابطون استفاده از منبرهای بزرگ چوبی که در اصل در کنار محراب قرار می‌گرفت و پیش‌نماز برای مراسم نماز جمعه از آن استفاده می‌کرد، حائز اهمیت است. منبرها به شکل پلکانی بوده است تا امام در هنگام موعظه بر بالای آن بایستد و مؤمنان را نظاره کند. اهمیت منبرها این‌گونه مشخص است که آن‌ها را معمولاً به شکل زیبایی می‌آراستند. تزیینات آن‌ها غالباً کنده‌کاری روی چوب بوده است، مثبت‌کاری‌های ظریف این منبرها شایان توجه است، قاب‌بندی‌های چوبی خاتم‌کاری با نوارهای متقاطع، روکش پله‌های منبرها مزین به قوس‌ها، تنوع



طرح‌های گیاهی کنده‌شده بر روی چوب نشانه شکوفایی مکتب کنده‌کاران روی چوب است. منبرهای مسجد جامع تلمسان، مسجد جامع ندرومه، مسجد جامع الجزیره، مسجد جامع قرویین و مسجد جامع مراکش در از منبرهای درخور توجه دوره مرابطون است (هاتشتاین- دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۵۷).

۸-۳. مساجد شاخص موحدون

مسجد تازا: یکی از قدیمی‌ترین مساجد دوره موحدون مسجد تازا (الجزیره)، بود. ساختار بنیادی مسجد تازا در سال (۱۱۴۲ م)، به دست عبدالؤمن جانشین ابن تومرت پی‌ریزی شد. مسجد تازا مساحتی برابر با ۶۱*۴۲ متر را در برمی‌گیرد و متضمن شبستانی مستطیلی و جلوخان است. معماری ساده درون شبستان با قوس‌های نعل اسبی منحنی در ترکیب با نورگیری خفیفی که به فضا گرما و درخشش می‌بخشد بسیار تأثیرگذار است. راهه مرکزی که به جانب محراب معطوف گردیده، از راهه‌های جانبی قدری عریض‌تر است و با تزیینات گچ‌بری خاصی متمایز گشته است. برخی از ستون‌های هم با افریضا و نیز با استفاده از طرح‌های انتزاعی هندسی تزیین گشته‌اند (هاتشتاین- دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۶۰).

مسجد تینمل: ساختار بنیادی مسجد در سال (۱۱۵۴/۱۱۵۳ م) به یاد فعالیت‌های مذهبی محمد ابن تومرت (رهبر و مؤسس موحدون) احداث گردید. بنای مسجد محوطه‌ای برابر با ۴۳/۵ * ۴۶/۴ متر را در برمی‌گیرد که شامل شبستان مستطیلی است، شبستان به نوبه خود دارای محوطه جلوخان با شکل مشابهی است (هاتشتاین- دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۶۰) که از سه ضلع با طاق‌گانهایی محصور گشته است. شبستان و جلوخان با دیوارهای کنگره‌داری به عنوان استحکامات محصورند. مدخل اصلی مسجد در جبهه شمالی حصار قرار دارد و در غرب و شرق حصار ورودی‌های جانبی قرار دارد. تک مناره کوتاه و برج مانند در وسط دیوار قبله متمایل به سمت جنوب و درست در پشت محراب خیز برمی‌دارد که ویژگی دفاعی مسجد را آشکار می‌کند. شبستان مسجد به ۹ راهه تقسیم می‌شود که راهه مرکزی شبستان متمایل به سمت محراب عریض‌تر از راهه‌های جانبی است. راهه مرکزی در تقاطع با بازوی عرضی شکل T را پدید می‌آورد. بهره‌گیری از قوس‌های دالبری در ساختمان مسجد تینمل چشمگیر است (هاتشتاین- دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۶۱).

مسجد کُتبیّه در مراکش: موحدون در نخستین مرحله ساخت و ساز مسجد (اول) کُتبیّه (۱۱۴۷ م) که اکنون فقط شالوده آن بریاست، این مسجد را مسجد اصلی شهر قرار دارند. بهره‌گیری از الگوی مساجد ۹ راهه مانند مسجد تینمل در مسجد کُتبیّه مورد پذیرش قرار گرفت و توسعه یافت. در نخستین مرحله ساخت و ساز مسجد بیش از ۹۰ متر طول و ۵۸ متر عرض داشت، و از ۱۷ راهه تشکیل می‌شد که چهار راهه بیرونی آن تا طاق‌گان شمالی که به سوی صحن معطوف است، بسط پیدا می‌کند. در سال (۱۱۵۸ م) مسجد کُتبیّه دومی در کنار مسجد اول ساخته شده است، در مسجد کُتبیّه دوم جهت به سمت مکه اصلاح شده و مناره‌ای هم به آن افزوده شده است طرح‌های بزرگ و درهم‌تنیده هندسی که تمامی سطوح را می‌پوشاند، از مشخصه مساجد دوره موحدون است که در مسجد کُتبیّه نیز کاربرد آن نمایان است (هاتشتاین- دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۶۱).

مناره‌های الموحین: این مناره‌ها مشخص‌کننده بالاترین مرحله پیشرفت از نوع خود در غرب

جهان اسلامی هستند. این بناها یادآور برج‌های پیش از اسلام شام است. این ارتباط فرهنگی بیشتر تحت تأثیر سبک‌های امویان اسپانیا هستند که تسلط فرهنگی بر مناطق مغرب داشته‌اند. ترتیب داخلی مناره‌های موحدین با نمونه‌های شامی در مواردی متفاوت است؛ طاق بندی حجره‌ها، استفاده از یک سطح شیب‌دار به‌عنوان وسیله بالا رفتن، بدنه بلند مناره‌ها و ابعاد بزرگ‌تر آن‌ها نسبت به مناره‌های سوری، تزیینات در چهار وجه مناره‌ها برخلاف نمونه‌های سوری و وجود پنجره‌های فرد و زوج در هر طبقه از جمله تفاوت‌های مناره‌های مغربی با مناره‌های سوری است (هیلم‌برند، ۱۳۸۵: ۱۴۳-۱۴۴).

مناره مسجد کُتبییه: مناره مسجد کُتبییه در شهر مراکش با ظرافت و سادگی ساخته شده است. مناره بر شالوده چهارگوش ۱۲/۵ متر بناشده و بلندای آن ۶۷/۵ متر است. راه‌های درونی از ۷ طبقه گنبد دار به سکو منتهی می‌گردد. در رأس بدنه چهارگوش مناره، سازه‌ای فانوس‌وار قرار دارد و بر سرش گنبدی مزین به تاج مناره متشکل از ۳ گوی طلایی دیده می‌شود. یکپارچگی اضلاع مناره در اغلب طبقات با یک جفت پنجره دارای طاق‌نماهای قاب‌بندی شده بازسازی شده است. طاقگانی از طاق‌نماها بخش فوقانی مناره را تشکیل می‌دهد، تزیینات شبکه‌ای شطرنجی موسوم به (Sebka) نوار عریضی از بنا را مزین نموده است که زمانی با بهره‌گیری از کاشی لعاب‌دار ترکی تزیین شده بوده است. این کاشی‌ها بر مناره بسیار ساده چون نقطه‌هایی رنگی می‌مانند (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۶۲).

مناره خیرالدا: مناره معروف به خیرالدا، متعلق به مسجد سابق اشبیلیه بوده است. مناره دارای ارتفاع ۸۰ متر است. در درون مناره به‌عوض راه‌پله راه‌هایی احداث شده است، از طریق این راه امکان حمل سنگ‌ها، ستون‌ها و سرستون‌ها با قاطر فراهم بوده است. در اواخر قرن شانزدهم ناقوس خانه شگرفی به مناره افزوده شد. در نوک مناره خیرالدا مجسمه برنزی فیدس به بلندای ۴ متر جای دارد (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۶۲).

برج حسن: در مسجد نیمه‌تمام حسن در دوران حکومت یعقوب منصور در رباط ساخته شده است. مناره بر شالوده مستطیلی ۱۶ مترمربع قرار دارد. احتمالاً ۸۰ متر بلندای داشته است. اکنون به جهت رنگ‌آمیزی سنگ‌های تراش شیب‌دارش شایان توجه است. ورودی قوس نعل اسبی آن تنها تزیین مناره به شمار می‌آید، ساختار هندسی آن طرح (Sebka) مناره خیرالدا را یادآوری می‌کند (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۶۲).

۴-۸. مساجد شاخص مرینیان

مسجد فاس جدید: ابو یوسف در (۱۲۷۵ م) مسجد جامع فاس جدید را بنا نهاد، این مسجد در (۷۸۸ هجری) بازسازی گردید. مسجد مجموعه‌ای مستطیلی شکل به ابعاد ۵۴*۳۴ متر است، شبستان مربع و حیاط مستطیلی در جلو آن است. طاقگان‌های ساده حیاط را از سه طرف محصور نموده است، مناره در گوشه شمال شرقی مسجد قرار دارد، ورودی سمت راست؛ ورودی اصلی بنا بوده است و ورودی چپ به دلیل دسترسی مستقیم به سرسرای زنانه احتمالاً متعلق به زنان بوده است، ورودی‌های دیگر در اضلاع دیگر حیاط وجود دارد. شبستان دارای ۷ راهه است و هر راهه



دارای ۶ دهانه مزین به قوس‌های نعل اسبی است. محراب در شبستان مسجد بسیار باشکوه است، گنبد بزرگ و تزیین‌شده که بالای دهانه محراب است، بر ابهت محراب تأثیر شگرف دارد، گنبد دیگری در ابتدای راهه مرکزی وجود دارد که نقش گنبد دوم تأکید بر محور طولی مسجد است. خطاطی‌های ظریف، طرح‌های گیاهی سرشار از اسلیمی‌ها و نقش‌مایه‌های گل از زیباترین و تأثیرگذارترین عناصر معماری مرینیان بشمار می‌آید، در مسجد فاس جدید نمایان است و سبک این تزیینات تأثیر ماندگار بر رشد هنری مراکش داشته است (هاتشتاین- دیلیس، ۱۳۹۰: ۳۱۰-۳۱۱).

۹. تحولات معماری در مدارس مغربی

جنبش مدرسه در وهله اول یک حرکت شرقی ایرانی بوده که به سوی غرب توسعه یافته است. در ساخت مدارس نفوذ هنری معماری مغرب بر اندلس نمایان است. مرابطون تجربه‌ای مشابه نظام الملک در شرق را داشته‌اند. در دوره مرابطون رباطها کارکردهای آموزشی که بعداً در مدارس اجرا شده‌اند دارا بودند. همسانی نقشه رباطها با مدارس گویای این مطلب است. از مدارس موحدون در اندلس چیزی باقی نمانده است. از مدارس دوره نصری گزارشی موجود نیست (هیلم‌برند، ۱۳۸۵: ۲۳۶)؛ اما مدارس کانون مهمی برای دولت بنی‌مرین بوده است؛ زیرا از طریق مدارس و آموزش‌های رایج در آن با تمایلات صوفیگری مبارزه می‌شد. به همین دلیل ساخت اکثر مدارس مغربی به سلاطین بنی‌مرین حداقل (۶۷۰-۷۵۷ هجری) منسوب است (هیلم‌برند، ۱۳۸۵: ۲۳۷). شاخص مدارس کهن مغرب؛ مدرسه مرینی در مغرب مربوط به زمان سلطان یوسف اول از خاندان بنو نصر است، مدرسه مرینی مغرب مشابه مدرسه‌های مرینی در مراکش است (هیلم‌برند، ۱۳۸۵: ۲۳۶).

مدارس اولیه مغربی: شماعیه اولین مدرسه تاریخ‌دار مغرب است که توسط ابوزکریا از خاندان بنو حفص در (۶۴۷ هجری) در تونس ساخت، در خلال دهه بعد مدرسه ماردیه توسط همسر وی ساخته می‌شود که هیچ‌یک بر جای نمانده است. مدرسه صفارین در فاس توسط سلطان مرینی ابو یوسف در (۶۷۰ هجری) قدیمی‌ترین نمونه بر جامانده از مدارس مغربی است (هیلم‌برند، ۱۳۸۵: ۲۳۷).

مدارس مرینی: مرینی‌ها برخلاف موحدون و مرابطون از طریق مذهب به قدرت نرسیدند. توجه به این نقیصه می‌توانسته از طریق حمایت مالی از بناهای مذهبی به نوع دیگری منجر شده باشد. مدارس از این نظر به‌طور حیرت‌آوری مطلوب این مقصود بودند. مدارس ارزان‌تر از مساجد ساخته می‌شد و چون امپراتوری مرینی کوچک‌تر از امپراتوری‌های قبل از خود بوده است همین امر عامل مهمی بشمار می‌آمده است. از سوی دیگر مساجد مرینی توان رقابت با مساجد موحدین را نداشت. مرینیان از طریق ساخت مدارس حمایت خود از تسنن را ابراز می‌داشتند. تبدیل فاس به یک مرکز علمی و وجود کتابخانه‌های موقوفه توجه سلاطین مرینی به علم را نشان می‌دهد (هیلم‌برند، ۱۳۸۵: ۲۳۹). مدارس مرینی همگی دارای طرحی تعریف‌شده بودند. ابعاد کوچک آن‌ها نسبت به دیگر مدارس جهان اسلام که جنبه غیر تشریفاتی بودن آن‌ها را اثبات می‌کند. معماران مرینی در بنای مدارس شبکه‌های چوبی را جایگزین ایوان‌ها و رواق‌ها در نمای تالارها نموده

بودند. ابعاد کوچک این مدارس به این بناها مقیاسی کاملاً انسانی می‌دهد که به‌خوبی بیانگر غیر تشریفاتی بودن تعلیم و تعلم در سده‌های میانه جهان اسلام است (هیلن‌برند، ۱۳۸۵: ۲۴۰). نام مدارس غالباً انعکاس‌دهنده اندازه‌های نسبی آن‌ها (کبری-صغری)، موقعیت آن‌ها در محله‌ای که به صنف خاصی داشت یا حتی انعکاس‌دهنده نام مدرسینی که در آنجا تدریس می‌کردند و حتی موضوعی که مدرسه در آن تخصص داشت بوده است. فقدان وجود قبر بانی نشانه اهمیت بالای تعلیم و تربیت است استثنا این نکته مدرسه سلیمانیه در تونس است که توسط علی پاشا در قرن ۱۸ ساخته شده است و قبر پسر او سلیمان در آن است. نفوذ عناصر مصری را از طریق سیمای غیرعادی برج‌های مربع-مستطیل در برخی مدارس و ارتباط دو مدرسه از طریق یک گذر می‌توان ملاحظه نمود. طرح چهار ایوانی مدارس شرقی در مساجد نظیر منتصریه مشهود است (هیلن‌براند، ۱۳۸۵: ۲۴۱). ارتباط نزدیک مسجد و مدرسه با یکدیگر نشانگر آن است که مسجد حکم نمازخانه مدرسه را داشته است یا بالعکس؛ از این‌رو بیشتر مدارس دارای مناره هستند، وجود مناره در مدارس به جهت کارکرد نزدیک آن‌ها با مساجد بوده است. کارکرد همه‌جانبه مدارس امکان تأثیرگذاری بر روی بناهای مساجد در موارد زیر را داشته است (هیلن‌برند، ۱۳۸۵: ۲۴۲).

۱-۹. مدارس شاخص مغربی

در دوران حکومت مرینیان مدارس متعددی در مغرب ساخته شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: مدرسه صفارین (۱۲۷۱ م) که به همت سلطان ابویوسف در فاس بنانهاده شد، مدرسه فاس جدید (۱۳۲۰ م) که توسط ابوسعید ساخته شده، مدرسه صهریج (۱۳۲۱ م) که شاهزاده ابوحسن به یاد پدرش بنا کرد. مدرسه عطارین که باشکوه‌ترین مدرسه شهر فاس بوده و در (۱۳۲۳-۱۳۲۵ م) بنا گردیده، مدرسه شله (سلا) ابوحسن در (۱۳۴۱ م) آن را بنا نهاد، مدرسه بو عانیه فاس ابو عنان پسر ابوحسن در (۱۳۵۰-۱۳۵۵ م) مدرسه را بنا نهاد (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۳۱۲).
مدرسه عطارین: این مدرسه که در وسط بازار تجار ادویه بنا گردید. ورودی مدرسه L شکل است، این شکل ورودی فضای داخل مدرسه را از فضای شلوغ و پرهیاهوی خارج منفک کرده است. بر ضلع دهلیز دو دریکی رو به حوضچه وضو و دیگری روبه‌راه پله خوابگاه وجود دارد. شبستان مدرسه فضایی ساده و تقریباً مربع است. ورودی‌های جانبی سرپوشیده در امتداد حیاط با قوس، پایه‌های چوبی و گچ‌بری تزیین شده‌اند. شبستان ازاره‌های جذابی از کاشی و محرابی با تزیینات زیبا دارد. محراب بر محور اصلی مسجد قرار نگرفته است، محراب اندکی به جانب دیوار شرقی رو به مکه تمایل دارد، محور محراب بر محور حیاط عمود است. با این کار معماری غیرمعمول اما بدیع پدید آمده است (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۳۱۲-۳۱۳).

مدرسه شله (سلا): این مدرسه توسط ابوحسن در (۱۳۴۱ م) در مقابل شهر رباط آن را بنا نهاد. بیشتر به سبب تزیینات زیبایی آن شهرت دارد. از نظر سبک‌شناسی با تزیینات بنو نصر غرناطه مرتبط است، این شباهت نشانگر ارتباط هنری این دو سلسله است (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۳۱۳).
مدرسه بو عانیه: ابو عنان پسر ابوحسن در (۱۳۵۰-۱۳۵۵ م) مدرسه بو عانیه را بنا نهاد. این مدرسه از بزرگ‌ترین ساختمان‌های مرینیان است. سازنده‌اش با اهدای منبری برای وعظ خطبه جمعه



منزلت آن را به مسجد رسانده است. ابو عنان همچنین مناره و ساعت آبی نیز برای آن سفارش داده بود. مدرسه دارای دو ورودی است. ورودی اصلی دقیقاً بر محور بنا قرار گرفته است. ورودی دوم دهلیز دارد و با عبور از راهرویی می‌توان به حیاط رسید. ورودی‌های جانبی سرپوشیده در امتداد حیاط با قوس، پایه‌های چوبی و گچ‌بری تزئین شده‌اند. یکی از درها به حیاط و دیگری به راه‌پله طبقه فوقانی راه دارد، حیاط مستطیل بر سه ضلع با سرسراهای دوطبقه احاطه شده است. تزئینات غنی کاشی‌کاری، گچ‌بری و پایه‌های چوبی زینت‌بخش مدرسه است. حوضی در وسط حیاط و آبگذری به عرض ۲ متر در پشت آن برای وضو وجود دارد. با عبور از دو پل روی آبگذر می‌توان به شبستان رسید، شبستان فضایی ساده و تقریباً مربع است. شبستان به ابعاد ۱۳*۱۷/۲۵ توسط ابوسعید ساخته شده است محراب باشکوه با تزئینات گچ‌بری شکوهمندی دارد. مساحت دو کلاس ۵*۵ متر بوده و گنبد‌های عظیم طاق و تویزه دار چوبی دارد، دورتادور آن‌ها راهروهایی کشیده شده که یک‌راست حجره‌های فوقانی را به اتاق‌های کلاس متصل می‌کند، طرح دو کلاس جانبی یادآور مدارس مصری مثل مسجد حسن است. مسجد فقط برای طلاب نبوده و همگان اجازه استفاده داشته‌اند (هاتشتاین- دیلیس، ۱۳۹۰: ۳۱۳).

نتیجه‌گیری

در معماری شیوه‌های سنتی و بومی مغرب زمین با ترکیب شیوه‌های دیگر در قالب بناهایی مذهبی با ساختار مساجد عربی نمایان گشت. مساجد مرابطین و موحدین به‌عنوان شاهکارهای معماری غرب جهان اسلام مطرح هستند، غیبت عمومی تزئینات غیر مرتبط با قوس‌ها سادگی و خلوص را بر فضای داخلی حاکم می‌کند. شاخصه مساجد دوره مرابطون و موحدون ایجاد و توسعه مساجد جهت‌دار است. در این مساجد راه‌های مرکزی عریض‌تر از راه‌های فرعی احداث می‌گشت که جهت دید به طرف محراب را مشخص می‌نمود. قوس‌های نعل اسبی شاخص هنر معماری مرابطون در فضاهای مختلف است، طرح‌های بزرگ و درهم‌تنیده هندسی که تمامی سطوح را می‌پوشاند، مشخصه مساجد دوره موحدون است. نفوذ هنری معماری مغرب بر اندلس در ساخت مدارس نیز قابل‌بررسی است، مدرسه مرینی مغرب مشابه مدرسه‌های مرینی در مراکش است. متمرکز کردن امر آموزش در یک مرکز شهر هم از لحاظ اقتصادی قابل‌درک بود و به جهت نظارت مستقیم پایتخت فعالیت مسجد و مدرسه زیر نظر مستقیم حاکم قرار داشت. بیشتر مدارس مراکش در فاس ساخته می‌شد. شهری که به مسجد قرویین قدیمی‌ترین مرکز آموزشی در غرب مغرب مباحثات می‌کرد. به دلیل ابعاد کوچک مدارس بیشترین تأکید بر روی نمازخانه بوده که به‌عنوان مدرّس مورد استفاده قرار داشت.

کتابنامه

- ابن‌خردادبه، عبید الله بن عبد الله، (۱۳۷۱)، *المسالك و الممالک*، ج ۱، مقدمه‌نویس آندره میکمل، مترجم سعید خاکرند، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل موسسه فرهنگی حنفاء.
- اطلس خط.
- لوبون، گوستاو، (۱۳۸۰)، *تاریخ تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران: انتشارات افراسیاب.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۶۵)، *ترجمه التنبيه و الاشراف*، محقق ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ج ۱، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایرانی.
- مونس، حسین، (۱۳۸۴)، *تاریخ و تمدن مغرب*، ج ۱، مترجم حمیدرضا شیخی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- مونس، حسین، (۱۳۸۴)، *تاریخ و تمدن مغرب*، ج ۲، مترجم حمیدرضا شیخی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- هاتشتاین-مارکوس، پیتر دیلیس، (۱۳۹۰)، *اسلام هنر و معماری*، ویراستار هرمز ریاحی، تهران: انتشارات پیکان.
- هیلن براند، روبرت، (۱۳۸۵)، *معماری اسلامی (معنا، مفهوم، کارکرد)*، تهران: انتشارات روزنه.
- هیلن براند، روبرت، (۱۳۹۱)، *هنر و معماری اسلامی*، تهران: انتشارات روزنه.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله، (۱۳۸۰)، *معجم البلدان (ترجمه)*، ج ۱، مترجم علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).